انترناسیونال 756

کاظم نیکخواه

**ترامپ و اپوزیسیون مرتجع**

این روزها با پیام نوروزی دونالد ترامپ و تحرکات بعدیش اپوزیسیون راست ایرانی دوباره امیدی برای بازگشت به صحنه سیاست یافته است. همانها که روزی به "رژیم چنج" جرج بوش پسر دخیل بسته بودند، امروز کفش و کلاه کرده اند که فاشیست منفوری مثل ترامپ آنها را به قدرت برساند. بیاد نبرده ایم که ده دوازده سال پیش کمدی ترین تحرک اپوزیسیون راست توسط عناصر سلطنت طلبی تحت نام "هخا" با تبلیغاتی اینچنینی به جریان افتاد که "با چهار صد هواپیما بزودی وارد تهران میشوم". الان هم مجاهد و حشمت طبرزدی و چهره های شناخته شده و ناشناخته سلطنت طلب، با پیام نورزی ترامپ و انتصاب جان بولتون به مشاور امنیت ترامپ دوباره به رقص و پایکوبی افتاده اند که ترامپ دارد با جمهوری اسلامی سرشاخ میشود و بزودی حمله نظامیش را هم شروع خواهد کرد و اوضاع روبراه خواهد شد.(حشمت طبرزدی آنچنان از پیام نوروزی ترامپ خودرا گم کرده است که چندین بار به تاکید ترامپ بر "کوروش کبیر" در پیام نوروزیش اشاره میکند در صورتی که ترامپ از کوروش اسمی نبرده و فقط از داریوش اسم برده است!).

مشکل اپوزیسیون راست در واقع بیشتر از آنکه با جمهوری اسلامی باشد با مردم ایران است. با کارگران و مردمی است که دارند با اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات و مقابله هرروزه با حکومت اسلامی، صحنه سیاسی جامعه را تسخیر میکنند و زمینه را آماده میکنند که با انقلاب خویش حکومت اسلامی را به زیر بکشند. مجاهد و سلطنت طلبان و لیبرال اسلامی ها و کلا اپوزیسیون راست و مرتجع به چشم خویش می بینند که اوضاع دارد به سرعت به سمت سرنگونی حکومت به قدرت مبارزات و خیزش کارگران و معلمان و دانشجویان و بخشهای مختلف مردم معترض پیش میرود. اینها از همین روند به وحشت افتاده اند و میخواهند به ترفندها و بازی های مختلف آنرا سد کنند و بدنبال "رژیم چنج" از بالای سر مردم و حمله نظامی آمریکا هستند.

این جماعت حتما فورا میگویند ما از حمله نظامی دفاع نکرده ایم. نه! نه! ما گفته ایم ترامپ نباید به حمله نظامی دست بزند و باید از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی و "رفراندوم آزاد" حمایت کند. اما چه کسی است که نداند "رفراندوم آزاد" و سوگند مخالفت با حمله نظامی یک بازی رسوا و مسخره است؟ اگر قرار است ترامپ کسی را به قدرت برساند با چه راهی جز سناریوی چلبی بازی و لشکرکشی از نوع لشکر کشی به عراق قابل تصور است؟ نامه نوشتن به ترامپ و تقاضای حمایت و پشتیبانی کردن چه معنایی جز همین سناریو میتواند داشته باشد؟ بدون تردید اگر در ایران انقلاب مردم حکومت را به زیر بکشد که محتملترین حالت است، مردم به نیروهایی که به آستان بوسی یک فاشیست تمام عیار بنام دونالد ترامپ و امثالهم رفته اند و قبل از آن هم کارنامه سیاسی شان در مماشات و پیام دادن و همراهی با جناحهای حکومت چندان درخشان تر نیست، تف خواهند کرد. به اینها باید اطمینان داد که حمله نظامی آمریکا به ایران هم یک خواب و خیال بیش نیست. زمانی نه چندان دور یعنی در دوره جرج بوش دولت آمریکا طرح "نظم نوین" آمریکائی را داشت و با این طرح به عراق و افغانستان لشکر کشی کرد. اما آن طرح با روی کار کشیدن جریانات ناسیونالیست و تروریست و مذهبی و قومی در این کشورها به گل نشست و شکست خورد. نتیجه اش اوجگیری تروریسم اسلامی و فاجعه عظیم قربانی شدن صدها هزار نفر از مردم عراق در یک جنگ و کشتار پانزده ساله بود که همچنان هم ادامه دارد. نظم نوین آمریکائی چیزی جز ادبار و بدبختی برای مردم ببار نیاورد و به جمهوری اسلامی و ارتجاع اسلامی بسیار خدمت کرد. اکنون حامیانش در خود آمریکا آنچنان رسوا و بی ابرو شده اند که ناچارند خودرا از انظار مخفی کنند.

با شکست سیاست نئوکنسرواتیستها و جرج بوش در عراق و خاورمیانه و کلا تضعیف موقعیت جهانی آمریکا، بطور واقعی جناب ترامپ دیگر گزینه نظامی برای رژیم چنج در اختیار ندارد. میتواند رجز خوانی کند و امثال جان بولتون را که طرفدار حمله نظامی به ایران است به خدمت بگیرد. اینکه دولتها روی جمهوری اسلامی فشار دیپلماتیک بگذارند و این حکومت را منزوی تر سازند روشن است که بهتر از همسویی با حکومت اسلامی و حمایت و همراهی با آنست. بعبارت دیگر  مخالفت خوانی ها و دشمنی دول غربی و دولت آمریکا و هر دولت دیگری و از جمله شخص ترامپ با جمهوری اسلامی، برای مردم ایران بهتر از دوستی و حمایت شان از این حکومت جانی است. اما کسی که فکر میکند امروز آمریکا و آنهم دولت مساله دار و بحران زده ترامپ در موقعیتی است که به این راحتی به یک کشور دیگر لشکر کشی کند فقط نشان میدهد که از قافیه سیاست پرت است.

این تحرکات و موضعگیریهای اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی اما برای مردم ایران بسیار آموزنده و مهم است. مردم به چشم خویش دارند می بینند که اینها از چه قماشی هستند و به چه کمپ و جبهه ای تعلق دارند. در واقع نیروهای سیاسی راست همینند و همیشه همین بوده اند. نیرویی که نه فقط در کنار مردم پیشرو جهان مواضع ضد انسانی و فاشیستی ترامپ را نقد و نفی نمیکند بلکه به پابوس یک شخصیت مفتخور و مولتی میلیاردر و فاشیست و ضد زن و مرتجع مثل ترامپ میرود که دنیا دارد او را مسخره میکند، نشان میدهد که لجن تر و مرتجع تر از آنست که ذره ای بشود انتظار انسانیت و رهایی از آن داشت. کلا جریانات راست خود از جنس امثال ترامپ و خمینی هستند. در همین کمپ قرار دارند. در زمان هیتلر و موسولینی نیز رضا شاه به فاشیستها دخیل بست و به تبلیغات نژاد پرستانه و آریایی گری روی آورد و میخواست به سیاق آنها خاورمیانه را آزاد کند و بعد چوبش را خورد. مردم ایران میخواهند خودرا از یک جریان فاشیستی و ارتجاعی اسلامی خلاص کنند و به رفاه و برابری و آزادی و حقوق زن و حقوق انسانی دست یابند. این هدف با کمک نیروهای فاشیست و مرتجع و ضد انسانی بدست نمی آید.

نیروهای فاشیست و مرتجع فقط با جنگ و تروریسم و عقب گرد و ارتجاع و مذهب و مفتخوری و توطئه گری میتوانند در سیاست دخالت کنند و امید بستن به آنها جز تباهی و ناهنجاری و عقب گرد اجتماعی نتیجه ای نخواهد داشت. ما مردم پیشرو باید خودرا در کنار آن صف انسانی قدرتمند و گسترده جهانی بدانیم و ببینیم که با سیاستهای ارتجاعی و فاشیستی در هر شکل آن مخالفت میکنند. مخالفت با ارتجاع اسلامی حاکم در ایران ذره ای نباید باعث شود که به ارتجاع و عقب گرد در شکل دیگری روی خوش نشان داده شود و اجازه دهیم که بنام مردم کسی دست یاری به نیروهای مرتجع دراز کند. سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت مبارزه و انقلاب کارگران و مردم ایران و با حمایت و پشتیبانی نیروهای پیشرو جهانی هم امکان پذیر است و هم میتواند به رهایی واقعی بینجامد. از ارتجاع جز ارتجاع و ناهنجاری چیزی حاصل نمیشود. این را باید آویزه گوش کنیم و به تحرکات تعفن انگیز اپوزیسیون راست در همراهی با ترامپ و امثالهم قاطعانه نه بگوییم.